

## عوامل و زمینه‌های جرائم جنسی علیه زنان در حقوق ایران و

### افغانستان

محدثه سادات موسوی<sup>۱</sup>

#### چکیده

از معضلات زندگی بشر در عصر حاضر، بحث جرائم به‌ویژه جرائم جنسی است که تهدیدکننده امنیت فردی و اجتماعی و مخرب روح و روان آدمی است. منظور از این جرایم، ارتکاب اعمال و رفتارهای نامشروع برای ارضای غریزه است که ممکن است در اثر عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی و... اتفاق بیفتد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، علل جرایم و خشونت جنسی علیه زنان را بررسی و راهکارهایی برای پیشگیری از وقوع جرایم جنسی مطرح نمود. بنابراین، مؤثرترین گام در مبارزه با جرایم، پیشگیری از وقوع آن و لازمه پیشگیری، شناخت علل و عوامل بسترساز آن و تلاش برای رفع آنهاست.

**واژگان کلیدی:** جرم، خشونت، آزار جنسی علیه زنان.

#### ۱. مقدمه

خشونت پدیده‌ای است که سابقه آن به درازای تاریخ بشر است و هیچ عصری شاهد ثبات و جهان‌گیری از خشونت نبوده است. این درحالی است که عصر کنونی به تأثیر از عوامل گوناگون، شاهد خشونت‌های بسیار گسترده و متنوع است. خطرناک بودن جرایم جنسی

---

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی معارف اسلامی و حقوق از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران.

برای حقوق بشر، وجود تعابیر مختلف در مورد مفهوم، محدوده و علل این نوع از خشونت و فقدان موانع حقوقی و فضای جدی در مقابله با مرتکبین خشونت جنسی از دلایل اهمیت پرداختن به این عنوان است. از نظر فرهنگی، تلاقی دو عامل، احتمال بزه‌دیدگی جنسی زنان را فراهم می‌کند. از سویی عواملی که مردان را به ارتکاب خشونت علیه زنان می‌کشاند و از سوی دیگر، آسیب‌پذیری زنان که آنان را قربانی خشونت می‌کند.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۲-۱. حق

کلمه حق، واژه‌ای عربی است که به صورت مصدر یا صفت مشبیه در معانی مختلف به کار می‌رود به معنای وجود و ثبوت و آنچه که خلاف باطل است. (محمدبن مکرّم، ۱۳۷۴، ۲۵۵/۳) در زبان فارسی نیز به معنای راست و درست، راستی، حقیقت، عدل، انصاف، نصیب، بهره، ملک و مال است (معین، ۱۳۸۳، ۱/۱۳۶۳). حق در اصطلاح عبارت است از: توانایی که شخص بر چیزی یا بر کسی داشته باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ۱۶۶۹/۵).

### ۲-۲. جرم

جرم در لغت به معنای گناه و بزه است. (معین، ۱۳۸۳، ۱/۱۳۶۹) در اصطلاح حقوق جزا هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود (ق.م.ج.ا.ا، ۱۳۹۲، ۲م).

### ۲-۳. خشونت

خشونت در لغت به معنی درشتی، زبری، ضد لینت، نرمی و خلاف نعومت آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۳۳) در اصطلاح، کاربرد نیرو در غیر جای خود و یا برخلاف قانون است. خشونت وسیله‌ای است برای اعمال فشار و اجبار و با این خصیصه ممتاز می‌شود که نیاز به آلات و ادوات دارد. خشونت نزدیک به نیروست؛ زیرا آلات خشونت نیز مانند هر ابزار دیگر به این منظور طراحی و به کار می‌روند که نیروی طبیعی را زیاد کنند تا جایی که در مرحله آخر ممکن

است جایگزین آن شوند. قدرت و خشونت ضد یکدیگرند و آنجا که یکی سلطه مطلق پیدا کند دیگری وجود نخواهد داشت (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳، ص ۵۶۳).

## ۲-۴. آزار جنسی

هر نوع تلاش (اشاره‌ای، زبانی، تماسی) برای نزدیکی به شخصی که مایل به این نزدیکی نیست آزار جنسی خوانده شده است. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳، ص ۵۶۳)

## ۳. انواع جرائم جنسی علیه زنان

زنان، قشر آسیب‌پذیر جامعه، بیش از مردان در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند. خشونت علیه زنان در ابعاد وسیع خود، خشونت در داخل خانه در محدوده خانوادگی و نیز خارج از خانه را شامل می‌شود. به نظر می‌رسد علل اصلی این نوع خشونت‌ها را باید در سوءاستفاده از قدرت، جست‌وجو کرد. خشونت تنها در قالب حمله فیزیکی نیست، بلکه شامل انواع رفتارهایی است که مردان به قصد کنترل و ارباب‌زنان پیش می‌گیرند. تجاوز به عنف و آزارهای جنسی از خشونت‌بارترین رفتارها علیه زنان است به گونه‌ای که گسترش پدیده تجاوز به عنف به یک بحران اجتماعی برای بسیاری از کشورها تبدیل شده و موجب اعتراض گروه‌های مردمی و فعال شدن آنها در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان شده است. در افغانستان، خشونت‌های زبانی و روانی علیه زنان در محیط خانواده و نیز در اماکن عمومی در قالب توهین و تحقیر، تهدید به طلاق، ازدواج با زن دوم، آزار و اذیت خیابانی رخ می‌دهد (گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۵، ص ۱۴). مصادیقی که در قانون منع خشونت علیه زنان از نظر خشونت روانی به آنها تصریح شده است عبارتند از: دشنام، تحقیر و تخویف، مجبور کردن به خودسوزی، خودکشی یا استعمال مواد مضر. ازدواج با بیش از یک زن بدون در نظر گرفتن تأمین عدالت بین زوجه‌ها، کفایت مالی و مصلحت مشروع، انزوای اجباری یعنی، ممانعت از دید و بازدید با محارم شرعی. با وجود مبهم بودن برخی از این مصادیق، موضوع جالب توجه،

جرم‌انگاری موارد فقط فقهی یا اخلاقی مانند ازدواج مجدد بدون تأمین عدالت میان همسران است.

در مورد تهدید و مصادیق آن در حقوق ایران نیز باید گفت به نظر می‌رسد از مقررات عام ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ۱۳۷۵ در مورد تهدید به قتل، ضررهای شرفی، نفسانی، مالی یا افشای سر نسبت به فرد یا بستگان وی می‌توان استفاده کرد. گفتنی است که تهدید باید ناظر به موضوع معین، صریح و از روی عمد باشد و در این مسئله، واقعی بودن تهدید یا انگیزه مرتکب بی‌تأثیر است. (اسدی، ۱۳۹۶، ص ۱۱) آنچه در این راستا چالش‌برانگیز به نظر می‌رسد این است که با وجود حمایت‌های قانونی مناسب با توجه به اینکه خشونت کلامی در فضای خصوصی صورت می‌گیرد یا پس از ارتکاب آن در عالم واقع آثاری از آن باقی نمی‌ماند و بار اثبات آن برعهده زن است امکان به نتیجه رسیدن دعوا چندان قطعی نیست. با وجود این، توجه قانون‌گذار به جرم‌انگاری آن از نظر نشان دادن اهمیت این رفتار، گامی در حمایت از بزه‌دیدگان است. در بند ۷ ماده ۳ قانون منع خشونت علیه زنان ۱۳۸۸ افغانستان آمده است: «اذیت و آزار، ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ یا به هر وسیله یا به هر نحوی است که موجب صدمه به شخصیت جسم و روان زن شود». همان‌گونه که از این ماده برمی‌آید آزار با هر روش و وسیله باعث آسیب به روان، جسم و شخصیت زن می‌شود. براساس گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۵، حدود ۹۷۷ مورد خشونت لفظی و روانی ثبت شده است که در میان آنها ۷۰۸ مورد قضیه توهین و تحقیر به‌طور خاص و ۲۰۲ آزار و اذیت در معنای خاص قانونی بوده است. بنابراین، این خشونت، عام‌ترین نوع خشونت در افغانستان است که ۷۰٪ این خشونت‌ها علیه زنان ۱۸ تا ۳۵ ساله ارتکاب یافته درحالی‌که کمترین توجه را به خود معطوف داشته است.

ماده سوم قانون منع اذیت و آزار افغانستان مصوب ۱۳۹۶ شمسی نیز مقصود از اذیت و آزار را تماس بدنی، خواست نامشروع، آزار کلامی، غیر کلامی و یا هر عملی که موجب صدمه روانی، جسمانی و توهین به کرامت انسانی زن و... شود، می‌داند. در ادامه همین ماده، هریک از

رفتارهای پیش‌گفته در راستای تحقق اذیت و آزار تبیین شده است که برخی موارد آن به‌گونه‌ای با خشونت جنسی در ارتباط است. مورد نخست، خواست نامشروع به‌معنای تقاضای مرد از زن و... به انجام عملی است که همراه با انگیزه جنسی باشد. در این قسمت، قانون‌گذار صرف درخواست و تقاضا با انگیزه جنسی بدون انجام هر رفتار دیگر را جرم‌انگاری و گونه‌ای از اذیت و آزار تلقی کرده است. آزار کلامی دربردارنده کلمات، جملات، شوخی‌ها و طنزهای غیر اخلاقی، توصیف بدن، رفتار، لباس و... است که به‌گونه‌ای امنیت روانی زن را تحت تأثیر قرار دهد. آزار غیرکلامی نیز به‌نمایش گذاشتن تصاویر یا مطالب توهین‌آمیز در مورد مسائل جنسی در رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و... است که آمار این خشونت در افغانستان کم نیست. (اسدی، ۱۳۹۵، ص ۲۵) خشونت و جرایم جنسی علیه زنان به چند دسته تقسیم می‌شود: تجاوز جنسی در بستر زناشویی، حملات جسمانی و کتک زدن، به‌کار بردن الفاظ رکیک در رابطه با زنان، نگاه به‌صورت ابزار جنسی، احساس مالکیت بر زن، خواهان نابرابری.

#### ۴. علل و عوامل جرایم جنسی علیه زنان

##### ۴-۱. علل روانی

تبلیغ آزادانه زنان روسپی و هرزه‌نگاری در شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، عمده‌ترین عامل تجاوز به حقوق جنسی زنان است. خرد کردن شخصیت زن در فیلم‌های مبتذل، آمادگی روسپیان برای نمایش زنده‌ترین اعمال، استفاده از مانکن‌ها برای تبلیغات تلویزیونی با تأکید بر زیبایی و جنسیت، عادی جلوه دادن خشونت‌بارترین روابط جنسی، روابط جنسی گروهی که مصداق بارز خشونت بر ضد زنان است و صدها مورد دیگر، نمونه‌هایی بارز از این آموزش خشونت جنسی است که علاوه بر شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی در تلویزیون سراسری و مطبوعات بسیاری از کشورهای جهان امری معمولی شده است. (مدبر و چوپانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵) به‌نظر می‌رسد چنین تبلیغات رسانه‌ای از سویی موجب ترویج افسارگسیختگی میل جنسی در مردان می‌شود و ازسوی دیگر با پایین آوردن ارزش زن در حد کالای جنسی، زنان را

از نظر روحی در برابر جرایم جنسی بی‌دفاع می‌کند. مقصود از خشونت در جرم‌شناسی نیز انواع آگاهانه آن است و نمی‌توان رفتار حیوانات یا انسان‌های فاقد قوه تمیز موقت یا دائم را ملاک بررسی قرار داد. با وجود تلاش‌های مستمر برای پی بردن به نقش و میزان تأثیر عوامل زیستی (فیش‌بین، ۱۹۹۰) در رفتار خشونت‌آمیز، بیشتر پژوهشگران بر نقش عوامل محیطی، اجتماعی و اقتصادی تأکید دارند. برخی از محققان معتقدند که عوامل زیستی فقط می‌تواند روند یادگیری و ارتکاب بزهکاری را تسهیل (البی و پری، ۱۹۹۸) کند، اما آنچه بیشترین تأثیر را دارد عوامل اجتماعی است.

#### ۴-۲. علل اقتصادی

از نظر شخصیتی، بزه‌دیدگانی که خود زمینه خشونت جنسی را فراهم می‌کنند بیشتر دختران مجرد، زنان بیوه و یا همسرانی هستند که در زندگی خود تعهد اخلاقی یا اجتماعی کمتری داشته‌اند (بارنت و هامبرگ، ۱۹۹۲). صرف نظر از حالت انفعالی بزه‌دیده، شخصیت بزه‌پذیر افرادی که در معرض جرایم جنسی قرار می‌گیرند تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌های غیر مجاز و هرزه‌نگار، مانکن‌ها، رقاصان و روسپیانی است که به ظاهر از روابط نامشروع و بی‌حد و مرز خود لذت می‌برند. آمادگی بزه‌دیده برای خشونت‌پذیری ممکن است از استیصال و درماندگی اقتصادی باشد. در این حالت، بزه‌دیده به تدریج به خود تلقین می‌کند که برای گذراندن زندگی چاره‌ای جز روسپیگری ندارد. با تکوین شخصیت بزه‌پذیر و درگیر شدن روزافزون وی در روابط جنسی نامشروع و نامحدود، چاره‌ای جز روبه‌رو شدن با افرادی که هر کدام با روشی خاص به دنبال ارضای جنسی خویش هستند، نمی‌ماند (فنزلیبر، ۲۰۰۰) همین امر در تمام موارد، خشونت جنسی بزه‌پذیران را به دنبال دارد.

#### ۴-۳. علل فرهنگی

اگر خشونت جنسی به هر رابطه، گفتار یا رفتاری گفته شود که زن از نظر سلامت جسمی و روانی حاضر به پذیرش آن نباشد در آن صورت باید مدعی شد که رسانه‌ها مهمترین نقش را

در ترویج خواسته یا ناخواسته خشونت جنسی علیه زنان ایفا می‌کنند. بسیاری از پژوهشگران، تبلیغ آزادانه زنان روسپی و هرزه‌نگاری در شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی را عمده‌ترین عامل تجاوز به حقوق جنسی زنان می‌دانند که تمایلی به دیدن یا اجرای محتوای (براون میلر، ۱۹۷۵) آنها زیر فشار شریک جنسی خود ندارند. هرچند نمایش صحنه‌های مبتذل در برخی از شبکه‌های خصوصی با هشدار قبلی به نوجوانان و افرادی که تمایل به دیدن این وقایع ندارند، انجام می‌شود با این حال نمایش مکرر صحنه‌های تجاوز جنسی، ضرب و شتم زنان و دختران برای شهوت‌رانی در تلویزیون و چاپ عکس‌های زننده در مطبوعات که بیشتر در دسترس جوانان و نوجوانان قرار دارد به تدریج زمینه خشونت جنسی را فراهم می‌کند به طوری که رابطه میان پخش صحنه‌های خشونت در تلویزیون و شبیه‌سازی ذهنی و عملی آن از جانب برخی از بینندگان در مطالعات اجتماعی ثابت شده است (فرانو، جانسون، ۱۹۸۳).

به طور کلی، رسانه‌ها از دو سمت عامل خشونت جنسی علیه زنان هستند که منحصر به آنهاست: نخست تبدیل زن به کالا با استفاده تبلیغاتی از زیبایی زن در پیام‌های بازرگانی و نمایش روابط خصوصی جنسی (براون میلر، ۱۹۷۸) از انواع مختلف آن به صورت صحنه طبیعی از فیلم‌ها، تئاترها و مستندها. با هنجارسازی تعرض جنسی بدون وجود رابطه قانونی میان طرفین می‌توان نتیجه گرفت که میان آزادی جنسی به مفهوم غربی آن و قربانی شدن آگاهانه یا ناآگاهانه زنان در صحنه‌های علنی خشونت جنسی، رابطه مستقیم وجود دارد.

درستی این فرض با مقایسه میان رسانه‌های سالم و مبتذل و هشدارهای مکرر مدافعان حقوق بشر در زمینه اجتناب از تبدیل زن به کالای تبلیغاتی نیز به آسانی اثبات‌پذیر است. بنابراین، می‌توان گفت که استفاده از رسانه علاوه بر اثرات خوب و مفید می‌تواند اثرات سوء نیز به همراه داشته باشد و علاوه بر اژه‌م‌گسستن بنیاد خانواده باعث ترویج خشونت علیه زنان و افزایش جرایم جنسی علیه آنها می‌شود.

#### ۴-۴. علل اجتماعی

معضلاتی مانند بیکاری، ولگردی، تکدی‌گری، وجود زنان خیابانی و ده‌ها نمونه دیگر از عوامل اجتماعی هستند که زمینه و موقعیت ارتکاب بزه علیه بانوان را فراهم می‌کند. مبارزه با این علل و عوامل که هرکدام به عهده یکی از نهادها و ادارات اجرایی است، می‌تواند از بزهکاری پیشگیری کند. تلاش برای زدودن محیط‌های اجتماعی مضر برای جوانان و کاهش فرصت‌های کج‌رویی و پیشگیری از تحریک انگیزه آنها برای ارتکاب جرایم جنسی تأثیرگذار است. روسپی‌گری یا خرید و فروش اشخاص، خطر جدی برای امنیت جوانان است و به تخلفات نوجوانان نیز کمک می‌کند. جمع‌آوری متکدیان که خود زمینه‌ساز بسیاری از جرایم از جمله جرایم جنسی هستند از دیگر وظایف نهادهای اجرایی است که می‌تواند به کاهش نرخ این‌گونه جرایم کمک کند. در شهر توکیو پایتخت ژاپن در سال ۱۹۶۴م، فرمان توسعه سالم جوانان صادر شد. هدف این فرمان تشویق تأثیرات فرهنگی مناسب در جوانان و زدودن محیط‌های اجتماعی مضر است. این زدودن شامل جمع‌آوری روسپی‌ها و سالم‌سازی محیط، تعیین نشریه‌های مضر و کنترل فروش آنها، کنترل رفتن جوانان به دیدن فیلم‌های شهوت‌انگیز، کنترل تبلیغات مضر و رفتن جوانان به سینماها و باشگاه‌های بولینگ بعد از نیمه شب است. اصل در اجرای این فرمان مقید شدن به اشتغال سالم است. بنابراین، کنترل مقتدرانه تنها هنگامی که لازم است به کار برده می‌شود. به عبارت دیگر به هدایت ارادی بیش از کنترل پلیس باید توجه شود. (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۵)

مشارکت فعال بزه‌دیده در پیشگیری از جرایم جنسی نیازمند آگاهی وی از وضعیت‌های پرخطر و راه‌های اجتناب از آن است. حضور و تردد در مکان‌های خلوت و در زمان‌های خاص مانند تاریکی هوا، تعطیلات و مکان‌هایی که در صورت بروز خطر امکان دسترسی به پلیس یا کمک سایرین بسیار پایین است وضعیت پرخطر محسوب شده و اجتناب از آن ضروری است. بنابر آمارهای رسمی، درصد بالایی از تعرضات جنسی توسط رانندگانی صورت می‌گیرد که به بهانه جابه‌جایی مسافران اقدام به ربودن زنان و دختران جوان کرده و پس از تجاوزات جنسی



آنها را به قتل می‌رسانند. (حدادزاده، ۱۳۸۸، ص ۴۰) بنابراین، عواملی مانند علل روانی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی همگی می‌توانند در افزایش خشونت و جرایم جنسی علیه زنان مؤثر باشند. همچنین عواملی مانند تأثیر رسانه‌ها، شخصیت بزهکار، بیکاری، ولگردی، افزایش زنان خیابانی و... نیز کم نیست.

## ۵. راه‌های مقابله با جرایم جنسی علیه زنان

نقطه آغاز حرکت در جرم‌شناسی، شناخت عوامل مؤثر در بروز جرم است تا براساس آن بتوان روش‌های پیشگیری از وقوع جرم و راهکارهای اصلاح مجرمان را ارائه کرد. خشونت علیه زنان در خانواده، تجاوز و سوءاستفاده از زنان باعث می‌شود تا آنها سلامت، اعتماد به نفس و امید به زندگی خود را از دست بدهند. این اعمال علاوه بر تخریب زندگی زنان، آثار سوء بر مشارکت آنها در جامعه دارد و شاید بتوان مهمترین اثر سوء را خدشه‌دار کردن کرامت ذاتی و انسانی زنان دانست؛ زیرا این اعمال خشونت بار منافی حیثیت و ارزش انسان‌هاست و باعث تضييع حقوق و آزادی‌های آنها می‌شود. از دیگر عواقب خشونت علیه زنان، ایجاد ترس و عدم امنیت در زندگی زنان را می‌توان نام برد. با توجه به اینکه خشونت علیه زنان، تجلی مناسبات نابرابر میان زن و مرد در طول تاریخ در برخورداری از قدرت است یکی از سازوکارهای مهمی است که زنان را وادار به پذیرش موقعیتی پایین‌تر از مردان می‌کند.

## ۵-۱. پیشگیری و آموزش

زنان، افراد بالقوه آسیب‌پذیرتر از مردان هستند که آماج‌های مطلوبی برای بزهکاران محسوب می‌شوند. زنان و کودکان، قربانیان اصلی جرایم جنسی هستند و در سیاست جنایی بسیاری از کشورها مورد حمایت‌های ویژه‌ای قرار دارند. بنابراین، در بسیاری از کشورها زنان آموزش‌هایی می‌بینند تا بتوانند هنگام مواجهه با این خطرات از خود دفاع کنند. مهمترین راه‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی، محافظت از این گروه است که همواره در معرض جرم قرار دارند. حضور پلیس در مکان‌هایی که خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد، می‌تواند آسیب‌پذیری آنها را به حداقل

برسانند. (جوآنمرد، ۱۳۹۰، ص ۶-۱۳) اقدام‌های حمایتی از زنان در برابر خشونت، طیف وسیعی از اقدام‌های کنشی و واکنشی را دربرمی‌گیرد. ایجاد سازوکارها و نهادهای حمایتی در حوزه زنان، قرارهای پیشگیرانه یا حتی پیش‌دستانه مانند پیش‌بینی خشونت با توجه به عوامل ریسک در مردان مرتکب و زنان بزه‌دیده (غلامی و برزگر، ۱۳۹۶، ص ۶) با روش‌های آماری و بالینی، اقدام‌های جامعه و پیش‌بینی‌کیفر از مهمترین اقدام‌ها در این راستاست.

با یک نگاه کلی به قانون منع اذیت و آزار زنان و کودکان افغانستان می‌توان فهمید که مواد بسیاری از این قانون به اقدامات پیشگیرانه به‌ویژه پیشگیری اجتماعی، آموزش و آگاهی‌بخشی به عامه مردم می‌پردازد. تشکیل کمیسیون عالی منع اذیت و آزار زنان و کمیته مبارزه با اذیت و آزار زنان با ترکیب نهادهای مختلف در این مورد از اقدامات از نوع وضعی هستند. این قانون و مواد مشابه آن در راستای ماده ۴۴ قانون اساسی افغانستان است که دولت را به انجام برنامه‌های انکشافی سوادآموزی و انکشاف آموزش زنان مکلف کرده است. در ماده ۵۴ دولت مکلف شده است تا برای حمایت از خانواده و تأمین سلامتی روحی و جسمی مادر و کودک شرایط لازم را به‌عمل آورد. در بند ۵ ماده دوم قانون منع خشونت علیه زنان ۱۳۸۸ نیز یکی از اهداف قانون، تأمین آگاهی و آموزش عموم مردم در مورد خشونت علیه زن است که نشان می‌دهد از دید نظام حقوقی افغانستان، یکی از راه‌های مؤثر در مقابله با خشونت علیه زنان، آموزش عمومی همه افراد جامعه است. در راستای تحقق بخشیدن به این قانون، کمیسیون منع خشونت علیه زنان تأسیس شد که یکی از وظایف مهم آن، آگاه کردن مردم در مورد خشونت علیه زنان در رسانه‌های مختلف است. به‌نظر می‌رسد که آگاهی‌بخشی به مردم، نقش مهمی در گزارش وقایع خشونت‌بار داشته است. (اسدی، ۱۳۹۵، ص ۱۱) در بند پ ماده ۱ لایحه کرامت، صیانت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت ایران نیز یکی از اهداف این لایحه، بالابردن سطح آگاهی عمومی و آموزش‌های اختصاصی در مقابله با این بزه، قانون دانسته شده است. در ماده ۱۷ از جمله وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، طراحی و اجرای برنامه‌های تحقیقاتی کلان و چندرشته‌ای با هدف ارتقای دانش و

خدمات اجتماعی برای کاهش خشونت علیه بانوان دانسته شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که مداخله اجتماع‌محور، یکی از اساسی‌ترین سازوکارها برای حمایت از زنان خشونت‌دیده است.

#### ۵-۱-۱. از بین بردن منافع

مجرمان غیرحرفه‌ای و افراد غیرمجرم که زمینه مجرمانه دارند نیز وقتی به آسان بودن شرایط ارتکاب جرم توجه کنند در آنها ایجاد انگیزه می‌شود و نسبت به ارتکاب جرم وسوسه می‌شوند. راهکار حفاظت از آماج‌ها دو هدف پیشگیری وضعی یعنی، کاهش وسوسه مجرمانه و جلوگیری از ایجاد انگیزه در افراد و دشوار یا ناممکن کردن وقوع عمل مجرمانه را محقق می‌کند. (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶) مجرم پس از ارزیابی سود و زیان حاصل از جرم، دست به ارتکاب جرم می‌زند. بنابراین، با افزایش خطر شناسایی، دستگیری و مجازات با فایده حاصل از ارتکاب آن می‌بیند که هزینه ارتکاب جرم افزایش یافته است. بنابراین، احتمال ارتکاب جرم توسط مجرم از جمله در قلمروی جرایم جنسی کاهش می‌یابد.

#### ۵-۱-۲. کنترل و دسترسی به وسایل تسهیل‌کننده جرم

تسهیل‌کننده‌های ارتکاب جرم، وسایلی هستند که برای ارتکاب جرم لازم هستند یا در صورت وجود آنها مجرمان بالقوه تشویق به ارتکاب جرم می‌شوند. در این راهکار سعی بر این است تا با ایجاد موانع فیزیکی مناسب، سبب محدود شدن فعالیت مجرمان بالقوه شده و ورود این افراد را به محیط‌های فیزیکی یا مجازی مشکل‌تر کند. از دیگر راهکارها در زمینه حفاظت از آماج‌ها، نظارت‌های الکترونیکی و ویدئویی در مکان‌های پرخطر به صورتی است که خطر شناسایی و دستگیری مجرمان را افزایش داده و خطر بزه‌دیدگی را کاهش می‌دهد. (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ص ۴۱۲) محدودسازی دسترسی کاربران به محتوای اینترنت و فیلتر کردن سایت‌های حاوی مطالب غیراخلاقی، راه حلی برای کاهش اثرات مخرب این رسانه جهانی است. هرچند اقدامات فیلترینگ صددرصد نیست، اما با این روش می‌توان بخش زیادی از فعالیت‌های

غیرمجاز اینترنتی را محدود و کنترل کرد (عبدی خوانساری، ۱۳۹۰، ص ۷۹). در بیشتر رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های غربی براساس تفکرات سودجویانه از زنان استفاده ابزاری می‌شود. این رسانه‌ها با ارائه انواع مدل‌های مبتذل، پخش صحنه‌های نامناسب، الگوهای نامناسبی از زنان ارائه می‌دهد که این امر آثار بسیار مخربی در کل اجتماع به‌ویژه در میان دختران به جا می‌گذارد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «چشم‌ها، کمین‌گاه‌های شیطان است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۹۴/۷۷) از راه کارهای مقابله با آثار مخرب استفاده از رسانه‌های غربی می‌توان به ممنوعیت استفاده از آنتن‌های ماهواره و جمع‌آوری آنتن‌ها از مجتمع‌های مسکونی و اقدام به ارسال پارازیت از سوی دولت اشاره کرد (اسدی، ۱۳۸۹، ص ۴۷؛ حکمت‌نیا و کاظمینی، ۱۳۸۹، ص ۶۸). از دیگر راهکارهای پیشگیری از جرایم جنسی علیه زنان می‌توان به این موارد اشاره کرد: نظارت و کنترل غیررسمی که توسط عموم مردم و گروه‌های خاص مانند نگهبانان پارکینگ‌ها، سرایداران و افرادی از این قبیل انجام می‌گیرد. در این راهکار تمام افراد می‌توانند در محیط‌ها یا محل‌های کار خود با افزایش مراقبت سبب کاهش خطر ارتکاب جرم شوند. همچنین اصلاح نهاد خانواده، محدود کردن تمایلات به محیط خانواده، آموزش حجاب و عفاف، برنامه‌ریزی صحیح برای اوقات فراغت، کنترل و نظارت صحیح بر روابط فرزندان از دیگر اقدامات پیشگیرانه برای کاهش جرایم جنسی علیه زنان هستند.

## ۵-۲. عنصر مجازات و تعقیب کیفری

سیاست جنایی اسلام در برخورد با جرایم در بعد وضع مجازات، تابعی است از ارزش‌ها و بنیان‌هایی که در این جرایم مورد هجوم قرار گرفته و از بین می‌روند. جرایم جنسی، نسل، نسب، حیثیت و عفت عمومی را نشانه می‌رود، پایه‌های نهاد خانواده را به شدت متزلزل می‌کند، بحران سقوط معنویت و فزونی جرایم گوناگون را برای جامعه به همراه دارد. از این رو سیاست جنایی اسلام به شدت با آن برخورد و مجازات‌های سنگینی برای آن مقرر کرده است:

این مجازات برای زناکار محصن مقرر شده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۷۲/۹)

## ۵-۲-۲. اعدام

در سیاست جنایی اسلام در چند مورد برای جرم زنا مجازات اعدام پیش بینی شده است: زنا با محارم، زنا به عنف، زنا با مرد غیر مسلمان با زن مسلمان (نجفی، ۱۳۶۷، ۳۰۹/۴۱؛ جزیری، بی تا، ۱۰۴/۵)، زنا مکرر در مرتبه چهارم (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۱۳۵/۹؛ نجفی، ۱۳۶۷، ۳۳۱/۴۱) و لواط (حلی، ۱۴۱۳، ۵۳۶/۳).

## ۵-۲-۳. شلاق

این مجازات نیز در چند مورد تشریح شده که بررسی آن خارج از موضوع مقاله حاضر است. جرم انگاری رفتاری نشان دهنده اهمیت نقض ارزش مورد حمایت آن جرم و به تبع همراه با یک اقدام سرکوب کننده کیفری است. قانون منع اذیت و آزار زنان و اطفال افغانستان با تقسیم مجازات مرتکبان اذیت و آزار زنان در محلات و اماکن عام و نیز اذیت و آزار زنان در محل کار در مواد ۲۵ و ۲۶ هر دو مرتکبان را مستحق مجازات جزای نقدی دانسته و ارتکاب اذیت و آزار زنان در محل کار، مراکز تعلیمی و تحصیلی یا مراکز صحتی (بهداشتی) با مجازات شدیدتر دو برابر بیشتر از مرتکبان آزار و اذیت در مکان های عمومی پیش بینی کرده است. در ماده ۲۷ هم در مواردی برای مرتکبان اذیت و آزار با پیش بینی حالات مشدده، مجازات حبس از سه تا شش ماه پیش بینی شده است. (ر.ک.، رضوانی، ۱۳۹۵) دوم عوامل مشدده در ماده ۲۷ همین قانون در افغانستان در صورتی است که ارتکاب جرم باعث صدمه جسمی یا روانی مجنی علیه شده باشد و سوم زمانی که جرم به طور مکرر ارتکاب یافته باشد.

به این ترتیب با در نظر گرفتن سابقه کیفری و تکرار جرم به صورت یک شاخص ریسک و عامل مشدده می تواند نشان دهنده این امر باشد فردی که یک بار قانون را نقض کرده است بار دیگر نیز این کار را انجام خواهد داد. به نظر می رسد که در نظام حقوقی افغانستان در حوزه

مبارزه با خشونت علیه زنان با طیف‌بندی جرایم در این راستا از خشونت‌های غیرکلامی تا بالاترین خشونت جنسی یعنی، تجاوز به عنف و تعیین مجازات‌های متناسب با آن، مبنای صحیح و منطقی اتخاذ کرده است. (رضوانی، مهدوی‌پور، منیب، ۱۳۹۹، ص ۳۶۰) در نظام حقوقی ایران، افزون بر جرم‌انگاری مزاحمت جنسی در برخی قوانین دیگر نیز مانند ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی به این مسئله اشاره شده است که مرتکب علاوه بر مطالبه زیان مادی، زیان معنوی را نیز می‌تواند خواستار شود. این ماده از نوعی به ستوه‌آوری جنسی یعنی، یکی از مصادیق آزار جنسی سخن گفته است که این امر اهمیت لزوم حمایت از بزه‌دیدگان همه مصادیق آزار جنسی را ایجاب می‌کند. این لایحه در مبحث پنجم و ماده ۵۶ به نوعی به آزار در محیط کار اشاره کرده است. به موجب این ماده، مجبور کردن کارمند یا کارگر زن با هر نوع رابطه استخدامی را اگر مجبور به داشتن پوشش، آرایش، گویش یا هر نوع رفتار خاصی کند که مغایرت با شأن زن دارد یا این موارد را شرط ادامه کار قرار دهد به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه هفت محکوم می‌شود (چمپیون، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱۲). به‌طور کلی از راه‌های مقابله با خشونت علیه زنان می‌توان پیشگیری و آموزش را نام برد که از مصادیق آن محافظت از این قشر آسیب‌پذیر است همراه با فرهنگ‌سازی در جامعه یا حضور پلیس در مکان‌هایی که خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد. راهکار بعدی، تعقیب مجرمان این جرایم است تا امنیت تا حدودی به جامعه برگردد و بروز این جرایم کمتر شود. به بیان دیگر، مجرم غیرحرفه‌ای، شرایط ارتکاب جرم را آسان نبیند و از عواقب بعد از جرم بترسد.

## ۶. نتیجه‌گیری

دستاورد مطالب ارائه شده آن است که عوامل متعدد و گوناگون هریک به نوبه خود به میزان کم یا زیاد در بروز خشونت و جرایم جنسی علیه زنان مؤثر هستند که در چند عامل اصلی خلاصه می‌شوند: عامل روانی مانند شخصیت بزهکار که این بزهکاری او ممکن است ریشه در کودکی او داشته باشد، عامل اجتماعی مانند وضعیت آن محیط و اجتماعی که در آنجا بزه دیده و بزه‌کار زندگی می‌کند و عامل فرهنگی مانند تأثیر رسانه در جوامع امروزه بشری. گسترش

جرایم جنسی، دولت‌ها را وادار به اقدامات پیشگیرانه برای مقابله مؤثر با این جرایم کرده است؛ زیرا نخستین و مؤثرترین گام در مبارزه با جرایم، پیشگیری از وقوع آنهاست و لازمه پیشگیری، شناخت علل و عوامل بسترساز آن و تلاش برای رفع آنهاست.

### فهرست منابع

۱. اسدی، لایلا سادات (۱۳۸۹). حمایت دادستان از کودک، موانع و چالش‌ها. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۱۵(۱۵)، ص ۵۲.
۲. اسدی، محمد، و مرتضی، احمد (۱۳۹۶). خشونت کلامی خانگی علیه زنان و راهکارهای قانونی برخورد با آن. نشریه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲(۸)، ص ۲۰.
۳. جزیری، عبدالرحمن (بی‌تا). الفقه علی المذاهب الاربعه. بیروت: شرکه دار الارقم بن ابی الارقم.
۴. جوانمرد، بهروز (۱۳۹۰). خشونت علیه زنان و انواع آن در پرتوگفتمان حقوق کیفری ایران در حمایت از زنان بزه‌دیده. نشریه قضاوت، شماره ۶۹، ۶-۱۳.
۵. چمپیون، آر، دیوید (۱۳۹۹). به‌ستوه‌آوری جنسی. فصلنامه تحقیقات حقوقی. مترجم: افراسیابی، علی.
۶. حدادزاده نیری، محمدرضا (۱۳۸۸). پیشگیری وضعی از بزه‌دیدگی در جرایم جنسی به عنف. نشریه دادرسی، شماره ۷۵، ۳۹-۴۱.
۷. حکمت‌نیا، ناصر، و کاظمینی، سید محمدحسین (۱۳۸۹). حمایت دادستان از کودک در خانواده، موانع و چالش‌ها، درآمدی بر مسئله‌شناسی حقوقی با تأکید بر نظام حقوقی زن و خانواده در اسلام. نشریه فقه و حقوق خانواده، ۵۳(۱۵)، ۵۳-۸۴.
۸. حلی، جعفر بن حسن (۱۳۷۷). قواعد الاحکام. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. رضوانی، سودابه، و کردعلیوند، روح‌الدین (۱۳۹۵). به‌ستوه‌آوری روانی؛ جلوه‌ای از خشونت خانگی. مجموعه مقاله‌های همایش ملی خشونت علیه زنان، کانون وکلای دادگستری.
۱۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی‌العاملی (۱۴۱۰). الروضه البهیة. قم: انتشارات داوری.
۱۲. عبدی خوانساری، ملیحه (۱۳۹۰). خانواده، پیامدهای فناوری اطلاعات و ارتباطات (تعاملات مجازی). نشریه کتاب علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۳۸.
۱۳. قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲، ماده ۲.
۱۴. قانون منع اذیت و آزار زنان و اطفال.
۱۵. قانون منع خشونت علیه زنان.
۱۶. کود جزای جمهوری اسلامی افغانستان.
۱۷. گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۴.
۱۸. گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۵.

۱۹. لامی، حسین. و برزگر، مهری (۱۳۹۶). پیش‌بینی خشونت علیه زنان و راهکارهای اتخاذی بر مبنای آن. نشریه آموزه‌های حقوق کیفری. شماره ۱۴.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۲۱. مدبر، لیلا، و چوپانی، محسن (۱۳۸۹). پیشگیری اجتماعی از جرایم زنان و دختران با تأکید بر نقش تعاملی پلیس زن در آن نشریه پلیس زن. سال ۴، شماره ۱۳، ۱۰۹-۱۳۱.
۲۲. معین (۱۳۸۳). فرهنگ فارسی. تهران: مؤسسه انتشارات کبیر.
۲۳. مهدوی‌پور، اعظم، رضوانی، سودابه، و منیب، عبدالمتمین (۱۳۹۹). خشونت جنسی علیه زنان در نظام تقنینی ایران و افغانستان؛ از به‌ستوه‌آوری جنسی تا تجاوز. فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۹۱ صص ۳۵۱-۳۷۶.
۲۴. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۸). پیشگیری وضعی از بزه‌کاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۵.
26. Brownmiller, S. (1975). *Against Our Will: Men, Women and Rape*. New York: Bentam Books.
27. Albee, G. W., & Perry, m. (1998). Economic and Social Causes of Sexism and of the Exploitation of Women. *Journal of Community & Applied Social Psychology*.
28. Buss, D. m., Larsen, R. J., Westen, D., & Semmelroth, J. (1992). Sex differences in jealousy: Evolution, physiology and psychology. *Psychological Science*.
29. Fajnzylber, P., Lederman, D., & Loayza, N. (2000). Crime and Victimization: An Economic Perspective. *Economica*.
30. Fishbein, D. (1990). *Biological Perspectives in Criminology*. *Criminology*, 28(1).